

متن پرسش

به نام خدا سلام: استاد محترم بنده دوران نوجوانی و اول جوانی را با غفلت تمام طی کردم و از خدا به شدت دور بودم و اصلی ترین دلیل آن مشغولیت به شهوت و مسائل جنسی بوده است اما از قبل از این ماه مبارک اراده محکم کرده ام که به همه این پوچی ها و آلودگی ها پشت کنم و به سوی محبوب واقعی سیر کنم اما برای اینکه دوباره به سمت این عهد پلید قبلی بازگشت نکنم چند سوال اساسی دارم که پاسخ آنها برای بنده به شدت حیاتی است لذا تمنا دارم با پاسخ مفصل و نه اجمالی بنده را در طی طریق حق یاری کنید جناب استاد خاضعانه تمنا دارم استدعا دارم خواهش دارم پاسخ هایتان کوتاه و مبهم نباشد. سوال اول: ملاک کبیره و صغیره بودن گناهان در شریعت چیست هر چند به گفته معصوم با اصرار صغیره نمی ماند و با استغفار کبیره نمی ماند اما به هر حال ملاک چیست که شریعت بعضی گناهان را کبیره و بعضی را صغیره می داند؟ سوال دوم: به نظر شما چرا شهید دستغیب گناه استمناء را کبیره می دانند این گناه کدام ملاک کبیره بودن را دارد؟ سوال سوم: چرا بنی بشر نسبت به گناهان جنسی حیا و عفت بیشتری نسبت به سایر گناهان دارد این امر فطری به چه علت است، مثلا اگر یک نفر از بنده بپرسد تا کنون غیبت کرده ای از جواب مثبت دادن زیاد خجالت به من دست نمی دهد اما اگر یک نفر بپرسد آیا تا کنون استمناء کرده ای، از جواب مثبت دادن به شدت حیا داریم ریشه این مسئله در عالم واقع چیست؟ سوال چهارم: بنده احساس می کنم گناهان جنسی مثل استمناء خیلی بیشتر از گناهان دیگر بنده را از خدا و معنویت دور می کند این را از عمق وجود حس کرده ام که وقتی این عمل شنیع را انجام می دهم حالتی به بنده دست می دهد که حتی از معنویت متنفر می شوم اما سایر گناهان خیلی کمتر بنده را از راه حق دور می کند به نظر شما علت چیست؟ سوال پنجم: بنده این را به شدت حس کرده ام که وقتی شهوت بر بنده غالب می شود غضب نیز بر من غالب می شود ارتباط این دو چیست که با تسلط یکی دیگری نیز مسلط می شود. با تشکر از شما استاد عزیز به شدت التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- ملاک کبیره‌بودن و صغیره‌بودن گناهان از دو جهت است: یکی این‌که آن عمل جهت‌گیری الهی انسان را مختل می‌کند مثل شرک و یا به قتل‌رساندن انسان مؤمن. و دیگر این‌که روحیه‌ی عصیان در مقابل فرمان حضرت حق را در انسان شکل می‌دهد. در این مورد است که گفته می‌شود که هر گناه صغیره می‌تواند کبیره باشد. در صورتی‌که آن شخص با همان دید که آن گناه

حکم خدا است و باید انجام ندهد، آن گناه را انجام دهد. ۲- بر مبنای فوق مرحوم شهید دستغیب آنچنان می‌گوید که ملاحظه می‌کنید. ۳- گناهان جنسی از آن جهت که وجه پنهان هرکسی است، روح و روحیه‌ی انسان مایل نیست که برای بقیه ظهور کند در حالی که غیبت، برای سایرین نحوه‌ای از ظهور دارد و لذا وجه پنهانی آن نسبت به گناهان جنسی کم‌تر است. ۴- از آن جهت که عمل استمناء یک نوع سقوط صریح در مقابل حکم خدا است، شخص مرتکب احساس می‌کند به حکم خداوند پشت کرده است و نمی‌توان این حالت که برای شما پیش می‌آید را برای عموم به همین شکل دانست ممکن است که کسی رباخواری و یا غیبت از مؤمن را عصیان مستقیم در مقابل حضرت حق بیابد و همان حالت را داشته باشد که شما در مورد آن گناه دارید. ۵- معلوم است که وقتی انسان اجازه داد تا شهوت حرام بر او غلبه کند، راه ورود شیطان را در جان خود باز کرده است و شیطان یکی از صفات دیگر خود را که غضب است بر آن فرد گناهکار تحمیل می‌کند. موفق باشید